

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۳ هـ. ش / ۱۴۳۶ هـ. ق / ۲۰۱۴ م، صص ۱۳۱-۱۵۵

تحلیل تطبیقی عنصر مکان و شخصیت قهرمان در مقامات عربی و فارسی با تکیه بر مقامات همدانی و حمیدی^۱

حامد صدیقی^۲

استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

صغری فلاحتی^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مرتضی زارع برمی^۴

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

اثر پیش‌روی به تحلیل تطبیقی مقامه‌نویسی در ادبیات عربی و فارسی و تأثیرپذیری مقامه‌نویسی فارسی از نوع عربی آن اختصاص دارد، به همین منظور، پژوهش حاضر بر آن است میزان کمی عنصر مکان و نقش کیفی آن را همراه با شخصیت قهرمان در مقامات همدانی و حمیدی بررسی کند تا: ۱. شناختی کامل از محل حکایت هر مقامه در دو سطح مکانی کلان و خرد به دست آورد. ۲. عملکرد شخصیت قهرمان و تغییر چهره او را در پیوند با مکان‌های رخداد ماجرا تحلیل کند. ۳. میزان توانایی و ابتکار دو نویسنده را در چهره‌سازی از قهرمان با هدف هماهنگی وی با محیط پیرامون و پیشبرد موضوع مقامات بسنجد.

یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که همدانی و حمیدی تلاش کرده‌اند، تصویرگر زیست محیط، آداب، سنن، تمدن و فرهنگ قلمرو اسلام باشند. همدانی با طرح معضل گدایی و نیرنگ‌بازی به دنبال افشای شیوه‌های طراری در ممالک اسلامی است. در مقابل، حمیدی، مقامات خود را تنها به قصد تقلید و معارضه با مقامات همدانی نگاشته است؛ به همین دلیل نتوانسته مانند همدانی از قابلیت‌های مکان در طرح داستانی مقامات خود بهره‌بردارد.

واژگان کلیدی: مقامات همدانی، مقامات حمیدی، نمایه مکانی، قهرمان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۹

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۲

۲. رایانامه: sedghi@khu.ac.ir

۳. رایانامه: azmoude@gmail.com

۴. رایانامه نویسنده مسئول: ttmu.zare@yahoo.com

۱. پیشگفتار

در اصطلاح ادبی، مقامه^(۱) نوعی از حکایت‌های کوتاه با اثر مسجع و متصنع است که نویسنده در ضمن آن، سعی دارد قدرت هنری و ادبی خود را به نمایش بگذارد. مقامه در مورد قهرمانی به کار می‌رود که به صورت ناشناس در متن حکایت ظاهر می‌شود و حوادثی به وجود می‌آورد؛ وی در پایان داستان ناپدید می‌گردد و دوباره در هیئتی دیگر در مقامه بعدی ظاهر می‌گردد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۰۷)؛ با این تعریف، باید گفت که بیشتر مقامات از طرح و ساختار جامع داستانی برخوردار است؛ به گونه‌ای که می‌توان در این گونه ادبی، عناصر شناخته شده داستانی همچون پیرنگ، کشمکش، شخصیت، صحنه (مکان و زمان)، گفتگو، زوایه دید، درون‌مایه و اسلوب را تشخیص داد (پروینی، ۱۳۷۸: ۴۸-۶۹)؛ اما در این میان، خواننده مقامات در ابتدا از طریق عنصر مکان به دنیای حکایت گام می‌گذارد و با زندگی و رفتار شخصیت‌ها و جریان وقایعی که در آن قرار دارند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۵۱) همراه می‌شود؛ به عبارت دیگر، مکان در هر مقامه، فضایی است که پس‌زمینه داستان را می‌سازد و به خواننده کمک می‌کند که رفتار اشخاص داستان و اهمیت کنش آنان را ادراک کند (حُری، ۱۳۸۸: ۱۳۶)؛ سمعان، (۱۹۸۳: ۱۰۴). در اینجا است که احمد امین از عنصر زمان و مکان (صحنه یا محیط) به عنصر اجتماعی و مادی قصه و آداب و شیوه‌های زندگی تعبیر می‌کند (۱۹۶۷: ۱۲۷) و عوامل و عناصری که صحنه و محیط داستان را تشکیل می‌دهند، چنین طبقه‌بندی می‌کند: ۱. محل جغرافیایی، حدود، نقشه، چشم‌انداز و منظره داستان ۲. کار، پیشه، عادت و راه و روش زندگی ۳. زمان و دوره وقوع حوادث مانند فصل در سال، روز در ماه ۴. محیط کلی و عمومی شخصیت‌ها مانند محیط مذهبی، فکری، روحی، اخلاقی، اجتماعی و شرایط و مقتضیات عاطفی و احساسی و خصوصیات اخلاقی شخصیت‌ها (همان: ۳۰۱-۳۰۲).

در پژوهش‌های انجام شده در حوزه مقامات عربی و فارسی، می‌توان به شاخص‌هایی دست یافت که پژوهش حاضر را در تحلیل کیفی عنصر مکان و همچنین واکاوی چرایی و چگونگی ظهور قهرمان، متناسب با مکان رویداد ماجراها پشتیبانی می‌کند. این شاخص‌ها عبارت هستند از:

۱. برخی بر این باور هستند که مقامات در پی برخورد عرب با فارس و آشنایی آن‌ها با تمدن ایرانی که ادبیات را نیز شامل می‌شود، شکل گرفت (مبارک، ۱۹۳۱: ۲۴۲). جمعه، این فرضیه را با ذکر چند دلیل تقویت می‌کند: الف: روح فارسی در بسیاری از مقامات حاکم است. ب: توجه به تفنن در مقامات که یکی از مظاهر تمدن ایران است. ج: پرورش یافتن همدانی در محیطی فارسی د: نام‌گذاری مقامات با شهرهای ایرانی ه: نفوذ و قدرت

فرهنگ و ادب ایرانی در عصر عباسی و: تأثیرپذیری مقامات از گروه ساسانیان که ایرانی بودند (۱۹۸۰: ۲۲۹-۲۳۱).

۲. نظر برخی بر این است که شروع مقامات متأثر از ادبیات کلاسیک قدیم به خصوص اسطوره مایم^۱ یونان است (مونرو، ۱۹۹۳: ۱۵۱).

۳. گروهی نیز می‌گویند بذر نخستین مقامات در آثار جاحظ به ویژه در کتاب *الْبَحْلَاءِ* و کتاب *الْكَلْبِيَّةِ وَالْمَكْتَبِينَ* که مجموعه‌ای از نوادر و اسجاع گدایان را دربر دارد، نهاده شد (کاوئی، ۱۳۸۶: ۸۸).

۴. نثر فنی و متکلف رسائل اخوانی (فروخ، ۱۹۹۲: ۴۱۳) و داستان‌های عامیانه و غیر عامیانه کلیله و دمنه و هزار و یک‌شب، از دیگر عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری مقامات بود.

۵. شیوه گدایان عصر عباسی نیز در کیفیت سجع و شخصیت‌پردازی مقامات مؤثر افتاد. این گروه با مدح یا دعای مسجع از مردم گدایی می‌کردند و داستان‌سرایی یکی از شیوه‌های معمول ایشان در برانگیختن مخاطب به بخشش بود (الکعبی، ۲۰۰۵: ۱۰۶). در بین ایشان گروه ساسانیان که گدایانی ادیب و هم‌عصر با همدانی بودند بیشترین تأثیر را در مقامات داشتند، به نظر می‌رسد قهرمان مقامات نمایی از شخصیت آن‌هاست و حتی یکی از مقامات همدانی به اسم آن‌ها نام‌گذاری شده است و دو شاعر متکدی: احنف عکبری و ابودلف خزرگی از آن جمع هستند (ضیف، ۱۹۸۰: ۲۰-۲۱).

۶. حضور قصه‌سرایان بر منبر مساجد و یا در حلقه‌های مردمی و گدایی عده‌ای از ایشان در پایان قصه از مردم در کنار تعدادی از قصه‌های عرب با موضوع مکر، از عوامل دیگر در نگارش مقامات است (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶: ۲۷).

از مطالب گفته شده، می‌توان سه عامل اصلی را در ابداع مقامات مؤثر دانست: ۱. میراث فرهنگی عربی و غیر عربی (زمینه‌ساز پژوهش‌های تطبیقی) ۲. وضعیت و واقعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قرن چهارم، عصری که مقامه شکل امروزی به خود گرفت (عامل توجه به مکان). ۳. وضعیت و ویژگی‌های روحی و روانی مؤلف (حمودی، ۱۹۸۵: ۹۲).

با توجه به مقدمه‌ای که گفته شد؛ در این مقاله بر آن هستیم با تکیه بر دو عنصر مکان و شخصیت به بررسی مقامات همدانی و حمیدی پردازیم و می‌کوشیم به پرسش‌های ذیل پاسخ دهیم: ۱. گستره کمی مکان در مقامات

همدانی و حمیدی چه میزان است؟ ۲. هدف همدانی و حمیدی از جهانگردی چیست و آیا حقیقتاً به شهرها و نواحی مورد ادعا سفر کرده‌اند؟ ۳. تنوع و ابتکار همدانی و حمیدی در به کارگیری عنصر مکان تا چه اندازه است؟ ۴. طبقه‌بندی و تحلیل موردی مکان‌ها چه کمکی به شناخت دوره تألیف اثر می‌کند و آیا شخصیت‌های اثر بر اساس ویژگی‌های مکان رخداد واقعه ظاهر شده‌اند؟

۱-۱. روش پژوهش

روش خاص پژوهش، استقرایی - تحلیلی^۱ است. پس از کشف و طبقه‌بندی مکان‌های کلان و خرد و انواع چهره‌های قهرمان، دامنه کاربرد مکان‌ها در قالب جدول‌ها و نمودارها به نمایش درمی‌آید. عنوان‌های اصلی و فرعی به همراه شواهد درون‌متنی، به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که در کنار یکدیگر شناخت کاملی از پیوند دو عنصر مکان و شخصیت قهرمان در مقامات ارائه کنند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری با موضوع و محوریت مقامات در قالب کتاب، رساله، پایان‌نامه و مقاله انجام شده است؛ اما تاکنون تحقیقی مستقل دیده نشده است که به تحلیل موردی و جزئی عنصر مکان در مقامات همدانی و حمیدی با رویکرد تطبیقی پرداخته باشد. جهت آشنایی، تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله را معرفی می‌کنیم: «مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن» (احمد ابراهیم، ۱۳۴۲)؛ «شرح و بررسی مقامات حمیدی» (فیاض، ۱۳۷۳)؛ «مقامات بدیع الزمان همدانی و حریری در بوتۀ نقد و تطبیق» (شیخ سیاه، ۱۳۸۴)؛ «تحلیل، تبیین و طبقه‌بندی ظرفیت‌های نمایشی در دو کتاب *البخلاء* و *مقامات حریری*» (نصیری، ۱۳۹۰) و «مقارنه بین مقامات بدیع الزمان الهمدانی و حمیدالدین البلخی من منظار الطابع القصصی» (ناظمیان، ۱۳۸۶).

عواملی که به فردیت پژوهش حاضر در قیاس با دیگر پژوهش‌های انجام شده در حوزه مقامات کمک کرده، عبارت هستند از: ۱. ارائه شناسنامه مکانی (فهرست اماکن) و انواع چهره‌های موجود از قهرمان در تمامی مقامات همدانی و حمیدی در قالب جدول‌های (۱ و ۲) و نمودارهای (۱، ۲ و ۳). ۲. تحلیل کیفی قهرمان‌سازی متناسب با مکان رخداد ماجرای هر مقامه.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. عنصر مکان در مقامات همدانی و حمیدی

موقعیت زمانی و مکانی وقوع حوادث، صحنه^۲ داستان را تشکیل می‌دهد که منتقدان و نویسندگان ادبیات داستانی با اصطلاحات متعددی چون «قرارگاه»، «زمینه»، «محل وقوع»، «موقعیت» و «زمان و مکان»، از آن تعبیر کرده‌اند

1. Deductive, Analytical

2. Setting

(مستور، ۱۳۷۹: ۴۶). هر مقامه دارای یک زمان کلان (سالان و سال) و یک زمان خرد (شب، روز و...) و نیز یک مکان کلان جغرافیایی (کشور و شهر و دهکده) و یک مکان خرد (مجلس مهمانی، خانه، اتاق و...) است (نصیری، ۱۳۹۰: ۶۵). شخصیت قهرمان در مقامات همدانی و حمیدی اغلب از مکان کلان به مکان خرد وارد می‌شود: «به جرجان دور گام نهادم، با دگانی که بازگشتگاه (پاتوغ) خود ساختم» (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۹). «برسیدم به صور و صیدا و مکانی می‌جستم منزل را» (حمیدی، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۶).

زیبایی این عمومیت مکانی قبل از آغاز حکایت در گسترش افق خیال خواننده، جذابیت حیلۀ جدید و زمینه و شیوۀ گدایی (مقامات همدانی)، ترسیم ابعاد تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی مکان و تنوع موضوع حکایت‌ها نهفته است. به نظر می‌رسد تمامی کشورها، شهرها، روستاها و مناطقی که حمیدی بدان‌ها گام گذاشته جلوه‌ای آرمانی و نیک در ذهن خواننده داشته‌اند که در مقامات همدانی با حضور گدایان و نیرنگ‌بازان صورتی ناخوش به خود گرفته‌اند؛ در اینجاست که پی به هدف همدانی از نگارش مقامات در معرفی چهره واقعی این جماعت هزار چهره می‌بریم؛ لذا مقاماتش را بر اساس شرایط محیطی آن دوره پی‌ریزی کرد (کرمر، ۱۳۷۵: ۹۲).

۲-۲. گستره مکانی و چهره‌های قهرمان در مقامات همدانی و حمیدی

انگیزه تعدد مکان‌ها و تفاوت بین آن‌ها یا همان گستره مکانی رخداد حوادث مقامات همدانی و حمیدی به چند دلیل است: ۱. نمایش حضور حیلۀ گران و عوام‌فریبان در سرزمین‌های اسلامی (اسکندری در مقامات همدانی) ۲. علاقه قهرمان مقامه به سیر و سفر ۳. میل نگارنده به تغییر و فرار از یکنواختی (الموافی، ۱۹۹۷: ۷۶). لذا به منظور آشنایی خواننده و تسلط او بر شناسنامه مکانی (فهرست مکان‌ها) و انواع شخصیت‌های اصلی در مقامات و همچنین انسجام شیوۀ پژوهش جدول‌های (۱ و ۲) را طراحی کردیم که الگوی نگارندگان تا پایان مقاله خواهد بود؛ اساس این دو جدول بر نام مقامات، مکان‌های کلان و خرد وقوع حوادث و ظهور و بروز شخصیت قهرمان متناسب با هر مکان استوار است. نمودارهای (۱، ۲ و ۳) که در ادامه خواهد آمد با هدف نمایش گستره کمی مکان‌های کلان و خرد در مقامات طراحی شده است. اطلاعات مندرج در جدول‌ها برگرفته از مقامات به زبان اصلی است.

جدول شماره (۱): شناسنامه مکانی مقامات همدانی و آفرینش قهرمان بر اساس مکان واقعه (الهمدانی، ۲۰۰۸):

ردیف	مقامه	مکان	نیرنگ‌باز، گدا (قهرمان)	ردیف	مقامه	مکان	نیرنگ‌باز، گدا (قهرمان)
۱	القریضیة	جرجان، دگان، مجلس شعر و ادب	عالم به شعر	۲۷	الأسودیة	بیابان، سایه خیمه	شاعر

۲	الأزادیة	بغداد، بازار	گدای سمج عیال مند	۲۸	العراقیة	بغداد، لب رود	دانای به شعر و عروض
۳	البلیخية	بلخ، مسیر سفر	جوان قریشی که مسافر را می فرید	۲۹	الحمدانیة	حلب، بارگاه حمدانیان	وصاف اسب
۴	السجستانیة	سیستان، بازار، محل فروش میوه	زاهدی که دنیا را آزموده و فروشنده داروست	۳۰	الرصاصیة	رصافه، مسجد	نیرنگ بازی و گدایی (بدون اسکندری)
۵	الکوفیة	کوفه، خانه	گدایی سمج، بخاطر گرسنگی شبانه درب منازل را می کوبد	۳۱	المغرانیة	بصره	اسکندری (بدون نیرنگ)
۶	الأسدیة	حمص، راه حمص، بازار	جوان به ظاهر مظلوم اما راهزن و گدای سمج عیال مند	۳۲	الشیرازیة	شیراز، دکان	ازدواج بازن ناسازگار
۷	الغیلابیة	جرجان، انجمن شعر	بدون اسکندری و حيله	۳۳	الحلوانیة	حلوان، حمام	حجام
۸	الأذربایجانیة	آذربایجان، بازار	خطیب دینی	۳۴	التهدیبة	خیمه	گر سنگان
۹	الجزیریة	جرجان، جمع دوستان	سرور قوم بوده اما اکنون دست تنگ شده	۳۵	الأبلیسیة	دشت سبز، مجلس شعر	اسکندری شیطان را می فرید
۱۰	الأصفهانیة	راه سفر به ری، مسجد	دیدن پیامبر (ص) در خواب	۳۶	الأرمینیة	أرمینیه، کویر، مراغه	گر سته
۱۱	الأهوازیة	اهواز، انجمن و مجلس	واعظ تابوت بر دوش (بی نیرنگ و گدایی)	۳۷	التاحیمیة	خانه، جمع دانشمندان	گدایی سمج همراه خانوداهش غذا می جوید
۱۲	البغدادیة	بغداد، کرخ، بازار، کبابی و شیرینی فروشی	گر سته و روستایی	۳۸	الحلقیة	بصره	دوست دار خلف بن احمد
۱۳	البصریة	بصره، بازار و مرید	گر سته ای بلیغ	۳۹	التیسابوریة	نیشابور، مسجد جامع	قاضی
۱۴	الفرزانیة	بلاد عرب (فزاره)، بیابان	شاعر مداح	۴۰	العلیمیة	آواره غربت	سفارش به علم آموزی
۱۵	الجاحظیة	خانه، سفره غذا	گر سته ای بلیغ	۴۱	الوصیة	مجلس وصیت پدر	بخل بر دنیا و فریب مردم
۱۶	المکفوفیة	اهواز، زمینی گسترده	شاعر بدهکار	۴۲	الصیمیة	مسیر صیمره تا بغداد	انتقام از نارقیقان
۱۷	البخاریة	بخارا، جامع بخارا	زاهد واعظ	۴۳	البدیناریة	بغداد، انجمن گدایان	ناسزا گفتن بخاطر پول

تحلیل تطبیقی عنصر مکان و شخصیت قهرمان در مقامات عربی و فارسی با تکیه بر مقامات همدانی و حمیدی / ۱۳۷

۱۸	القرویة	قزوین، روستا، شوره گر	توبه کار بلیغ و شاعر	۴۴	الشعرية	شام، انجمن شعر	راوی عالم به شعر
۱۹	الساسانية	دمشق، درب خانه	شاعر گرسنه	۴۵	الملوکية	از یمن به سوی وطن	ستایش خلف بن احمد (بی حیلہ)
۲۰	القرديّة	بغداد، دجله، حلقه مردم	میمون باز	۴۶	الصفريّة	بازگشت از حج	تاجر طلا
۲۱	الموصلية	موصل، روستا، مجلس عزا	مرده زنده می کند، رفع بلا می کند	۴۷	السارية	ساری، بارگاه فرمانروا	بی وفا به عهد و پیمان
۲۲	المضربية	بصره، خانه، سفره غذا	مهمان گرسنه (بی حیلہ)	۴۸	التیمیية	شام، استانداری	نقد مردم، ستایش خلف بن احمد (بی حیلہ)
۲۳	الحرزیه	دریای خزر، کشتی	فروختن حرز به مردم در خطر غرق	۴۹	الحمريّة	مجلس عیش، میکده، مسجد	هم واعظ مسجد و هم میگسار
۲۴	المارستانیة	بصره، تیمارستان	دیوانه مستقد معتزله	۵۰	المطليبة	مجلس سخنوران	زاهد پند آموز
۲۵	المخايعية	بغداد	گرسنه سخنور	۵۱	البشرية	بی مکان	حکایت بشر بن عوانه (بی حیلہ)
۲۶	الوعظية	بصره، جایگاه فراخ	زاهد واعظ	-	-	-	-

جدول شماره (۲): شناسنامه مکانی مقامات حمیدی و آفرینش قهرمان بر اساس مکان واقعه (حمیدی، ۱۳۸۹)

عدد	مقامه	مکان	قهرمان	بُی	مقامه	مکان	قهرمان
۱	في المنعة	طایف، مسجد جامع، اجتماع مردم	خطیب معتمد اما طالب احسان	۱۳	في السفر و الرفافة	عراق، سایه درخت	پیر مرد جهانگرد
۲	في الشيب و الشباب	خجند، بازار، اجتماع مردم مقابل دکان	مناظره پیر و جوان به جهت (کاسی)	۱۴	في العشق و المعشوق و الحبيب و المحبوب	آمل و ساری، بازار عجایب	پیر دعانویس اما طالب مزد
۳	في الغزو	سرحد هند، میدان جنگ	جهادگر رجزخوان	۱۵	في الجنون	همدان، بیمارستان	مجنون عشق
۴	في الربيع	آذربایجان، اجتماع مردم در ساختمان	وصاف بهار اما طالب احسان	۱۶	بين اللاطي و الزاني	کاشان، رسته بزازان، گوشه دکان	مناظره پیر و جوان در باب وفای زنان
۵	في اللغز	کشمیر و قندهار	پیر سخنور اما طالب احسان	۱۷	بين الزوجين	اهواز، مردم در سرای قاضی	زن و شوهر ناسازگار

۶	فی السکاج	مجلس مهمانی و سفره	پیر مرد بلدشانس	۱۸	فی أوصاف البلخ	بلخ	پیر مرد نواح و مدآح بلخ
۷	فی السیاح	عراق، دمشق، حلقة مردم	مناظره ادبی پیر و جوان	۱۹	فی السمرقند	سمرقند، طاق، حلقة مردم	پیر مسکین شاکى
۸	فی التصوف	خانقاه، انجمن متصوفه	پیر مرد صوفی از اهالی اوش	۲۰	بین الطیب و المنجم	سرخس، مسجد جامع، حلقة مردم	مناظره پز شک کرمانی و منجم یونانی
۹	فی المناظره بین السی و الملحد	سرحد خراسان، دامغان	مناظره سئی و ملحد در باره عقل	۲۱	فی صفة الشتاء	أوش، خانه، محفل شبانه ادبی	جوان شاعر و سخنور
۱۰	فی الوعظ	صور و صیدا، اجتماع مردم	پیر واعظ و ناصر و طالب احسان	۲۲	فی العزیه	اصفهان، مجلس عزا	پیر مرد ناصح
۱۱	فی العشق	اصفهان، بیمارستان، جمع متظر	متخصص طب روحانی (عشق)	۲۳	فی التّسابة	ارمینی، محفل شبانه علم و ادب	مناظره پیر و جوان در باب انساب و احساب
۱۲	فی المسائل الفقهیه	همدان، زمرة فقها	عالم شرع	-	---	---	---

۲-۳. تحلیل رویکردهای مکان در مقامات همدانی و حمیدی

چگونگی به کارگیری عنصر مکان و ظرفیت‌های نهفته در آن، برقراری ارتباط منطقی و معنی‌دار این عنصر با عنوان^(۲) و مضمون مقامه و همچنین طرح هویت قهرمان بر اساس نوع مکان، می‌تواند از سویی نشان‌گر توانمندی و توفیق همدانی و حمیدی در انعکاس وقایع و حقایق دوره نگارش مقامات باشد و از سوی دیگر به محوریت عنصر مکان در مقامات کمک کند. چنانکه می‌توان برای عنصر مکان در مقامات آن‌ها ابعادی به شرح ذیل در نظر گرفت (الغزالی، ۲۰۰۷: ۲۳۷-۲۴۰؛ الضیع، ۱۹۹۸: ۱۵۶ و ما بعد):

۲-۳-۱. رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناسی^۱

عنوان و شیوه حیل‌گری و طراری در مقامات همدانی اغلب متناسب با ویژگی‌های مکان طرح می‌شود: حیل‌گر در مقامه‌های «البغدادیه، البصریه والمجاعیه» متناسب با کثرت گدایان در عراق به هیئت گدا ظاهر می‌شود؛ در مقامه‌های «السجستانیة، الأهوریه والبخاریة»، به خاطر وفور واعضان و زاهدان در این مناطق به لباس واعظ و زاهد

درمی آید؛ در مقامه‌های «الْقَرِيضِيَّة»، «الْفَزَارِيَّة»، «السَّاسَانِيَّة»، «الْأَسْوَدِيَّة» و «العِرَاقِيَّة» شاعر و سخنور است و در مقامه «الْحُلْوَانِيَّة»، به جهت کثرت حمّام‌ها و چشمه‌های معدنی، نقش حمّامی را بازی می‌کند؛ اما مقامات حمیدی چون موضوع محور است؛ لذا ویژگی‌های اجتماعی مکان و ماهیت قهرمان نیک‌اندیش، متناسب با مضمون مقامه طرح می‌شود از آن جمله است: مسجد جامع طایف و خطیب معتمد در مقامه «فِي الْمَلْمَعَةِ»، میدان جنگ و جهادگر رجزخوان در مقامه «فِي الْغَزْوِ»، مجلس مهمانی و پیرمرد سخنور در مقامه «فِي السِّكِّاجِ»، خانقاه و صوفی در مقامه «فِي التَّصَوُّفِ»، شهر صور و صیدا و واعظ منبری در مقامه «فِي الْوَعْظِ»، بقعه فقهای همدان و عالم شرع در مقامه «فِي الْمَسَائِلِ الْفَقْهِيَّةِ»، راه عراق و پیرمرد مسافر در مقامه «فِي السَّفَرِ وَ الرَّفَاقَةِ»، بازار آمل و ساری و دعاروش در مقامه «فِي الْعَشْقِ وَالْمَعْشُوقِ وَالْحَبِيبِ وَالْمُحِبُّوبِ»، تیمارستان همدان و شیدای عشق در مقامه «فِي الْمَجْنُونِ»، سرای قاضی اهواز و دعوی زن و شوهر در مقامه «بَيْنَ الزَّوْجَيْنِ»، خرابی‌های شهر بلخ و پیرمرد مدّاح و نوحه‌گر در مقامه «فِي أَوْصَافِ الْبَلْخِ» و مجلس عزای اصفهان و شخص نصیحت‌گر در مقامه «فِي التَّعْزِيَةِ».

۲-۳-۲. رویکرد فیزیکی^۱

همدانی از تصاویر کشتی، شب، امواج خروشان، وزش باد، بارش باران و رعد و برق در مقامه «الْحَرِيَّةِ»، خیمه و طناب‌های آن در مقامه «الْأَسْوَدِيَّة» و پناه بردن از گرما به مسجدی که دارای گنبد و ستون و طاق‌نما است در مقامه «الرُّصَافِيَّة»، برای نمایش جلوه‌های فیزیکی مکان و ترسیم فضای هنری مقامه استفاده می‌کند. حمیدی نیز در تبیین بُعد فیزیکی مکان‌های خرد و کلان رخداد واقعه از تصاویر ادوات جنگی و صفوف مستقیم و موازی سپاهیان در مقامه «فِي الْغَزْوِ»، خانه، محله و سفره در مقامه «فِي السِّكِّاجِ» و ویژگی‌های معماری و طبیعی در مقامه‌های «فِي أَوْصَافِ الْبَلْخِ وَ فِي السَّمْرِقَنْدِ» استفاده می‌کند.

۳-۳-۲. رویکرد روانی^۲

همدانی با استفاده از رفتارهای انسانی همچون؛ بی‌تابی و خودزنی عزاداران و تصویر مرده کفن شده و تابوت در مقامه «الْمَوْصِلِيَّة» و خنده و سرمستی تماشاچیان نمایش میمون‌باز در مقامه «الْقَرْدِيَّة»، به مکان، بُعدی احساسی می‌دهد. حمیدی نیز در مقامه «فِي التَّعْزِيَةِ»، با ترسیم جوش و خروش شبانه مردم، هجوم آن‌ها به وقت صبح به سمت دروازه‌های اصفهان، پاک کردن اشک با سرآستین، فوج مردم در راه‌ها و طاق‌ها و خاک برسر ریختن در عزای عمومی، فضایی غم‌گناهِ از مکان ترسیم می‌کند.

1. Physical approach

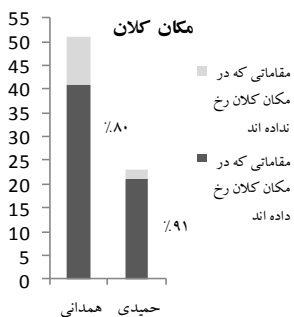
2. Psychological approach

۲-۳-۴. مکانی (تاریخی، زمانی و فاعلی)

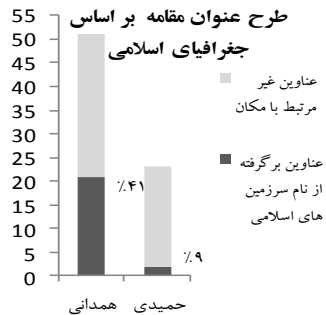
همدانی با استفاده از اسم مکان یا دوره‌ای که حکایت یا حیلۀ در آن شکل می‌گیرد و همچنین نام‌گذاری مقامه به اسم قهرمان همان مقامه، سبب می‌شود خواننده از یک سو معلومات ادبی، تاریخی یا اجتماعی را در ذهنش مرور کند و از سوی دیگر آماده ورود به قصه شود. نام‌گذاری مقامه بر اساس نام مکان: «البلخیة، البلیجیة، البیجستانیة، الکوفیة، الأذربایجانیة، الجرجانیة، الإصفهانیة، الأهوزیة، البغدادیة، البصریة، البحاریة، القزوینیة، الموصلیة، العراقیة، الرضافیة، الشیرازیة، الأرمینیة، النیسابوریة و المارستانیة»؛ انتخاب عنوان بر اساس زمان رویداد ماجرا همانند مقامه «الحمدانیة» (حکومت حمدانی)؛ و عنوان‌گذاری بر اساس نام شخصیتی که نقش اصلی قصه را ایفا می‌کند همانند مقامه‌های «الجاحظیة» (جاحظ، ادیب و نویسنده)، «الغیلانیة» (منتسب به ذوالرّمه شاعر عرب)، «الحقلیة» (منتسب به خلف بن احمد) و «البشریة» (منتسب به بشر بن عوّانہ العبدی). حمیدی نیز پاره‌ای از مقاماتش مثل «فی أوصاف البلخ و فی السمرقند» به نام شهرها است و در بخشی دیگر همانند «فی العشق والمعشوق والحبيب والخبوب، فی الجنون، بین اللّاطی والزانی، بین الزوجین، و بین الطیب والمنجم» از نقش قهرمان در نام‌گذاری مقامات استفاده می‌کند.

۲-۴. تحلیل کمی مکان کلان در مقامات همدانی و حمیدی

بر اساس جدول توضیحی شماره (۱ و ۲) و نمودار شماره (۱)، عنوان ۲۱ مقامه از مجموع ۵۱ همدانی و ۲ مقامه از مجموع ۲۳ مقامه حمیدی، برگرفته از نام شهر، منطقه یا شهرک (مکان کلان) است که نسبت آن در دو اثر به ترتیب ۴۱٪ به ۹٪ است و بر اساس جدول توضیحی شماره (۱ و ۲) و نمودار شماره (۲)، حوادث ۴۱ مقامه از مجموع ۵۱ مقامه همدانی و ۲۳ مقامه حمیدی، در شهرها، نواحی یا دهکده‌ها (مکان کلان) رخ می‌دهد که نسبت آن در دو اثر به ترتیب ۸۰٪ به ۹۱٪ است و اغلب این مکان‌ها در ایران، عراق و شام (حدود سرزمینی اسلام) قرار دارند. اعداد فوق حاکی از اهمیت سیر و سفر و تنوع مکانی نزد دو نویسنده است.



نمودار شماره (۲)



نمودار شماره (۱)

۵-۲. تحلیل کمی مکان خرد در مقامات همدانی و حمیدی

در نمودار شماره (۳)، بر اساس ۵۱ مقامه همدانی و ۲۳ مقامه حمیدی، ۱۴ عنوان مکان خرد لحاظ شده است. بیشترین درصد کاربرد مکان خرد، متعلق به مجالس ادبی، علمی و فرهنگی همچون شب شعر است که ۲۵٪ مقامات همدانی و ۸۳٪ مقامات حمیدی را به خود اختصاص داده است.

نمودار شماره (۳) علاوه بر نمایش کمی میزان به کارگیری مکان خرد، بیانگر علاقه دو نویسنده به یک مکان خاص نیز می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که محفل علمی، ادبی و فرهنگی در مقامات دارای تنوع مکانی است یعنی می‌تواند در بازار، مسجد، میکده، خانه و... تشکیل شود که در تعیین درصدها به هم‌پوشانی مجالس مذکور در انواع خرده مکان‌ها توجه شده است. مکان‌هایی که درصدها صفر لحاظ شده به معنی عدم وجود آن‌ها در یکی از دو اثر تطبیقی است.

نمودار شماره (۳)



۶-۲. تحلیل کیفی عنصر مکان خرد همراه با ظهور قهرمان در مقامات همدانی و حمیدی

شناخت مکان خرد و ارتباط آن با مضمون حکایت بنا به دلایلی از جمله: ۱. تناسب مکان با نوع و زمینه حيله ۲. نقشه قهرمان مقامه برای ورود یا حضور در مکان ۳. رنگارنگی چهره شخصیت اصلی در جلب توجه مردم ۴. خلق کشمکش‌ها و بحران‌ها از طریق تقابل و تضاد شخصیت‌ها و موقعیت‌ها در مکان می‌تواند در جدایی داستان و فرآیند انتظارآفرینی مؤثر باشد. حال باید گفت، مکان خرد در مقامات همدانی و حمیدی کجاست و شخصیت اصلی در مکان چگونه رخ می‌نماید؟

۶-۲-۱. محفل ادبی، علمی و فرهنگی

حکایت ۱۳ مقامه از ۵۱ مقامه همدانی در مجالس شبانه ادبی و فرهنگی با موضوعیت شعر و نثر دائر است؛ از آن جمله: «الْقَرْيُضِيَّة، الْغَيْلَانِيَّة، الْحُرْجَانِيَّة، الْأَهْوَايِيَّة، الْحَمْدَانِيَّة، الْإِبْلِيسِيَّة، النَّاجِيَّة، الدِّينَارِيَّة، الشَّعْرِيَّة، السَّارِيَّة، التَّمِيمِيَّة، الْحَمْرِيَّة وَالْمَطْلَبِيَّة»

است؛ که تنوع مکان خاص در آن‌ها شامل منزل، بارگاه، انجمن علمی و ادبی و جمع دوستانه است؛ اما حکایت سه مقامه «الْقَرِیْضِیَّةُ، الْعِیَالِیَّةُ وَالْمُجْرَجِیَّةُ» در جرجان که انجمن علم و ادب است رقم می‌خورد؛ اما شهری که بسیاری از ادبا، علما، فقها و محدثین از آن برخاستند (الحموی، ۱۹۵۷، ج ۲: ۱۱۹)، ممکن است محل و مأمن گدایان و طراران باشد؟

«به جرجان دور گام نهادم، دگانی را پاتوغ خود نهادم و با یاران نشسته بودیم و درباره چکامه و چکامه‌سرایان گفتگو می‌کردیم، در همان نزدیکی جوانی نشسته بود و گوش فرامی‌داد» (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۹) و این جوان یکی از جماعت گدایان سخنور بود که در محله فرهنگیان و دانشمندان حضور پیدا کرده و در کمال آرامش و سکوت به سخن بزرگان علم و ادب گوش می‌داد، اما با ورود به جمع، سررشته سخن را به دست می‌گیرد و در آخر کار می‌گوید: «در تنگدستی بر پشت کاری ناگوار و تلخ سوارم، روزگارم وارونه گشت، ای سروران! اگر همسری در سُرَّ مَنْ رَأَى و کودکانی در نزدیکی کوه‌های بصری نداشتم خود را به بند می‌کشیدم. آنچه آماده بود به او بخشیدیم» (همان: ۲۱-۲۲)؛ و این گونه همدانی به حضور گدایان سخنور در مجالس فرهنگی هشدار می‌دهد.

درباره حمیدی به جرأت می‌توان گفت: غالب مقاماتش همچون کلاس درس است که بسته به مضمون حکایت، جماعت یا طبقه‌ای از مردم یا شخص خاصی در آن حاضر هستند و از سخنان شخصیت اصلی یا مناظره بین دو شخصیت که هربار در چهره‌ای و سالی متفاوت ظاهر می‌شود - قصد فریب مردم را ندارد - بهره‌مند می‌شوند. تنوع مکان در این مقامات، مسجد، دکان، اماکن عمومی بی‌نشان، خانقاه، زمرة فقها، سایه درختی در بیابان، بیمارستان و خانه است؛ اما تنها دو مقامه «فِي صَفَةِ الشَّتَاءِ وَ فِي النَّسَابَةِ»، به صورت اختصاصی در انجمن ادب و علم رقم می‌خورد و با قدری وسواس و سخت‌گیری تنها می‌توان چهار مقامه «فِي السَّكْبَاجِ، فِي الْعَشَقِ وَالْمَعْشُوقِ وَالْحَبِيبِ وَالْحُبُوبِ، بَيْنَ الزَّوْجِیْنِ وَ فِي أَوْصَافِ الْبَلِخِ» را با توجه به مکان رخداد، شرایط محیطی و موضوع حکایت از مقوله محافل ادبی و فرهنگی خارج دانست.

۲-۶-۲. بازارها

حکایت پنج مقامه همدانی با نام‌های «الْأَرَادِیَّةُ، السَّجِسْتَانِیَّةُ، الْأَذْرَبِجَانِیَّةُ، الْبَغْدَادِیَّةُ وَ الْبَصْرِیَّةُ» در بازارها شکل می‌گیرد. بغداد در مقامه «الْبَغْدَادِیَّةُ»، مکان عام با ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی خاص به خود، مادر دنیا و بزرگ سرزمین هاست (الحموی، ۱۹۵۷، ج ۱: ۴۵۶)، شهرت این شهر، اشتیاق خواننده را برای دریافت زمینه حيله قهرمان و چگونگی گدایی وی از مردم برمی‌انگیزد. همدانی این گونه وارد داستان می‌شود که: در بغداد بودم، هوس

خرمای ازاذ کردم اما پولی نداشتم. بعد از آن به تعیین مکان خرد می‌پردازد: آرزوی خرمای ازاذ مرا به کوی کرخ کشاند! منطقه‌ای تجاری و مملو از دکان و مشتری (کرمر، ۱۳۷۵: ۸۶) و البته فرصت‌طلبان! در این محله چه کسی قربانی می‌شود؟ با یک روستایی برخورد کردم که به سختی خرش را می‌راند، با خودم گفتم: به خدا بر شکاری دست یافتم. شروع نیرنگ از کجاست؟ مکانی کوچک مثل دکان، غذاخوری یا خیابانی فرعی؟ گدای فریب‌کار با احوال‌پرسی و آشنا جلوه دادن خود و دعوت روستایی به منزل، کارش را آغاز می‌کند، سپس به بهانه اینکه بازار نزدیک‌تر و غذایش خوشمزه‌تر است، روستایی را به طمع می‌اندازد و او را به مهمان‌سرا می‌کشاند و بعد از خوردن هر آنچه هوسش را داشت، در فرصتی مناسب به بهانه تهیه آب خنک فرار می‌کند و از دور بدون اینکه دیده شود نظاره‌گر آه و ناله روستایی فریب‌خورده در پرداخت هزینه سفره می‌شود (همدانی، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۸). همدانی در این مقامه، مسافران، روستاییان و اشخاص ساده‌لوح را از اعتماد و اطمینان به ساکنان شهرهای بزرگ برحذر می‌دارد؛ چراکه حضور فراگیر افراد ناباب و نیرنگ‌باز در این مناطق امری عادی است.

حکایت سه مقامه حمیدی با عنوان‌های «فی الشیب والشباب، فی العشق والمعشوق والحبيب والخبوب و بین الألاطی والزانی» به ترتیب در بازارهای خجند، آمل و ساری و کاشان رخ می‌دهد که در هیچ‌یک شاهد فریب‌کاری شخصیت یا شخصیت‌های اصلی نیستیم؛ در مقامه «فی الشیب والشباب»، پیرمرد و جوان مناظره‌گر در حقیقت پدر و پسر هستند که در پایان جلد کلامی خود از احسان ناظران بهره‌مند می‌شوند (حمیدی، ۱۳۸۹: ۳۶) و در مقامه «فی العشق والمعشوق والحبيب والخبوب»، شاهد حضور دعانویسی هستیم که به شرط برآورده شدن حاجت گرفتار، دو دینار می‌طلبد (همان: ۱۳۷).

۲-۶-۳. مسیر سفر

تجارت، زیارت، علم‌آموزی، کسب روزی و دیدار سلطان و والی از مهم‌ترین دلایل سفر مردمان زمان همدانی است و سفرهای همدانی به شهرهای فارسی خود بهترین مثال برای دست‌یابی به انگیزه‌های ذکر شده است. با مطالعه مقامات وی چنین به ذهن متبادر می‌شود که مسیر سفر و اقامتگاه‌های بین راه مأمّن گدایان، طراران و راهزنان است. این جماعت در مقامه «البلخیة»، در لباس انسان صالح و دعاگو ظاهر می‌شوند (همدانی، ۱۳۸۷: ۳۱)، در مقامه «الأسدیة»، بعد از جلب اعتماد مسافر، اموال وی را سرقت می‌کنند (همان: ۵۷)، در مقامه «الأصفهانیة»، در مسجد بین راه با ادعای اینکه خواب رسول الله (ص) را دیده‌اند، مردم را سرکیسه می‌کنند (همان: ۸۶) و در مقامه «الصُفْرِیة»، سخن آور و تاجر طلا هستند (همان: ۳۳۸)، اما در مقامه «الملوکیة»، رهگذری آشتی‌پذیر و همسفری نیک‌سخن - بی‌کلک و گدایی - هستند (همان: ۳۳۲-۳۳۳). به عنوان مثال، همدانی در مقامه «البلخیة»، ابتدا مکان

عام یعنی بلخ را مشخص می کند: «تجارت پارچه مرا به سوی بلخ برانگیخت. در اوج جوانی با دلی آسوده و با زیور دارایی» (همان: ۳۱). نوع حيله در شهری مثل بلخ چگونه خواهد بود؟ آیا شهری که خلق بسیاری از عالمان در آن ساکن هستند (الحموی، ۱۹۵۷، ج ۱: ۴۷۹-۴۸۰) می تواند از شر گدایان و کلک های آنان آسوده بماند؟ آیا تاجر قصه که با مردم مختلف سروکار دارد و سود بسیاری از سفر خود برده، فریب می خورد؟ مکان خرد در این مقامه، مسیر بازگشت تاجر به وطن است و قهرمان (گدا)، جوانی به ظاهر مشخص و بی نیاز است که چشم تاجر را از وقار و زیبایی خود می گیرد. جوان گفت: آیا می خواهی کوچ کنی؟ گفتیم: آری. به نظر می رسد عیسی بن هشام (تاجر) در دام افتاده است، اما چگونه دامی؟ به سرعت نشانه های حيله در قالب دعا آشکار می شود: [کاروان] تو به زمین آباد برسد. در ادامه جوان می پرسد: کی قصد رفتن داری؟ به کجا می روی؟ کی برمی گردی؟ و سپس خواسته اش را چنین مطرح می کند که: از بخشندگی در کجایی؟ و [سگه ای زر طلب کرد] (همدانی، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۲). همدانی با طرح مقاماتی از این دست، به طرح و افشای شیوه های سرکیسه کردن مسافران توسط گدایان بین راه می پردازد.

«في السفر والرفاق»، یگانه مقامه حمیدی است که حکایت آن در مسیر سفر به عراق رقم می خورد. قهرمان، پیرمردی جهانگرد است که در موضوع و آداب سفر و رفیق راه سخن می گوید و در پی گدایی نیست (حمیدی، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۳۲).

۲-۶-۴. مسجدها

همدانی پنج مقامه «الأصفهانیة، البخاریة، الرضافیة، التیسابوریة والحمیریة» را در مسجد یا جامع حکایت می کند. چنین به نظر می رسد که حيله به مساجد راهی ندارد! یا حداقل نباید راهی داشته باشد چرا که مسجد، خانه خدا در زمین، محل اعتکاف، نماز، دعا و آرامش است؛ اما آیا مساجد در عصر همدانی از بی حرمتی طراران در امان بوده اند؟ در مقامه «الأصفهانیة»، عیسی بن هشام عزم سفر به ری می کند که از مشهورترین، بزرگ ترین و آبادترین شهرها است (الحموی، ۱۹۵۷، ج ۳: ۱۱۷-۱۱۸). آری عرصه تاخت و تاز گدایان و دزدان است؟ آیا مساجدش از حيله ایشان در امان است؟ عیسی بن هشام از طریق مسجد و نماز جماعت! وارد ماجرا می شود، در پایان نماز، نشانه های حيله به این ترتیب آشکار می گردد: مردی از جای برخاست و گفت: از میان شما اگر کسی یاران پیامبر و گروه مسلمانان را دوست دارد زمان کوتاهی به من گوش بسپارد چرا که مژده ای از پیامبر آورده ام و برای نگهداشت مردم در مسجد و گفتن حيله اش شرطی می گذارد: خبر را نمی گویم تا وقتی که خدا این مسجد را از هر فرومایه ای که پیامبری پیامبر را باور ندارد پاک کند [با این سخن] گویی همه را با زنجیر بست. نیرنگ باز در ادامه

چنین می‌گوید: پیامبر را به خواب دیدم، دعایی به من آموخت و سفارش کرد آن را به شما بیاموزم. من هم آن را بر روی کاغذ با مشک و زعفران و عطر نوشتم. اگر کسی بخواهد آن را به او می‌بخشم و اگر بهای کاغذش را برگرداند می‌گیرم. عیسی [راوی] گوید: درهم‌ها بر سرش ریخت تا آنجا که در شگفت ماند (همدانی، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۷). چنانکه پیداست، ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ری، محیط مسجد، وقار نمازگزاران و حتی شخصیت رسول الله (ص) هم مانع حرمت‌شکنی و کاسبی مگاران نمی‌شود؛ لذا همدانی با طرح یک چنین مقاماتی در مسیر زدودن جهل عمومی گام برمی‌دارد.

حکایت دو مقامه حمیدی در مسجد شکل می‌گیرد؛ در مقامه «فی الملمعة»، غریبی اهل فضل و ادب و شرع از بلاد حجاز در مسجد جامع طایف برای مردم سخنرانی می‌کند و در پایان خطابه‌اش از حاضران، به قدر توشه، کمک می‌طلبد (حمیدی، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۹). مقامه «بین الطیب والمنجم»، در مسجد اعظم سرخس با محوریت مناظره طیب کرمانی و منجم یونانی در باب برتری دو علم طب و نجوم بر یکدیگر رقم می‌خورد (همان: ۱۸۱). به نظر می‌رسد، مسجد در اثر حمیدی، جلوه‌ای آرمانی دارد و مکانی در راستای ترویج علم و فرهنگ است (کرمر، ۱۳۷۵: ۹۸-۹۹).

۲-۶-۵. خانه

فریب کاران و گدایان حرمت مساجد را که ورود به آن برای همه در هر لحظه میسر است شکستند؛ اما آیا قادر خواهند بود به منازل شخصی مردم وارد شوند؟ آیا می‌توانند اهل خانه را سرکیسه کنند؟ حکایت پنج مقامه «الکوفیة، الجاحظیة، الساسانیة، الموصلیة و المصبریة» همدانی در خانه‌ها شکل می‌گیرد. در مقامه «الموصلیة»، حیلہ گری اسکندری شیوه‌ای غیر انسانی و بکر دارد. موصل از پایه‌های سرزمین اسلام، شهری پرجمعیت، محل دانشمندان، پذیرای مسافران و دروازه خراسان و آذربایجان است (الحموی، ۱۹۵۷، ج ۵: ۲۲۳). راوی با این سخن که در بازگشت از موصل، کاروان ما به تاراج رفت و نیمه‌جانی مرا به یکی از روستاهای شهر کشانید، مقامه را آغاز می‌کند. حال این سؤال‌ها مطرح است که آیا موصل از خسارت طراران در امان است؟ آیا گدایان مگار به توابع موصل هم راه یافته‌اند؟ راوی در حالی که اسکندری [طرار] نیز با اوست به روستایی بی‌نام و بعد به مکانی کوچک‌تر [خانه] وارد می‌شود: صاحب‌خانه مرده بود و زنان گریه و زاری می‌کردند. [اسکندری] گفت: ما را در این نخلستان، خرمابنی است و به مرده نگریست که آماده دفن بود؛ اما حیلہ اسکندری در مجلس عزا چیست؟ گلوی مرده را گرفت، گفت: خاکش نکنید، زنده است. فقط بیهوش شده! حاضران دلیل زنده بودن مرده را از

اسکندری پرسیدند؛ او گفت: وقتی مرد بمیرد زیر بغلش سرد می‌شود، من بر این مرد دست مالیدم و دریافتم که زنده است و با خونسردی کامل منتظر آزمودن ادعایش شد! که البته با تصدیق حاضران مواجه شد و شایعه زنده شدن مرده در روستا پیچید و از هر سو درهم‌ها به سویس سرازیر شد و قول داد بعد دو روز، جهت زنده کردن مرده برگردد! اما فرار کرد و چنین گفت: شگفتا از نادانی گروهی که من از نادانی آنان به آسانی سود بردم (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۶۰). همدانی با طرح موضوع ساده‌لوحی روستاییانی که سخنان غریبه را بدون شناختن و آزمودن وی می‌پذیرند و همچنین توصیف منزل مرده با آن فضای حزن‌انگیز و شلوغ و گریبان‌چاک کردن بازماندگان، از سویی ترسیم‌گر زیبایی‌های هنری مکان در پیش‌برد مسیر داستان است و از سویی دیگر ضرورت هوشیاری مردم را در برخورد با فرصت‌طلبان گوشزد می‌کند.

مضمون دو مقامه حمیدی در خانه روایت می‌شود؛ مقامه «فی السکاج»، تقلیدی آشکار از مقامه «المصیریه» همدانی است. بزازی پرگو و لاف‌زن، قهرمان را جهت پذیرایی به منزلش دعوت می‌کند و در نهایت قهرمان، گرسنگی را بر سیر شدن ترجیح می‌دهد و پا به فرار می‌گذارد و البته در حین فرار به جهت بداقبالی گرفتار حبس می‌شود (حمیدی، ۱۳۸۹: ۶۳-۷۴). در مقامه «فی صفة الشتاء»، جوانی سخنور و هنرمند با اذن صاحبخانه قدم به محفلی شبانه می‌گذارد و جمع حاضر را از فضل و دانش خود بی‌هیچ چشم‌داشتی بهره‌مند می‌سازد (همان: ۱۸۹-۱۹۵).

۲-۶-۶. مکان‌های باز

حکایت هفت مقامه از مقامات همدانی در مکان‌های خاص اما باز و گسترده شکل می‌گیرد؛ از آن جمله: ۱. پاره زمینی گسترده در مقامه «المکفوفیه» ۲. سایه درختان شوره‌گز در مقامه «القرویبه» ۳. کناره دجله در مقامه «القردیة» ۴. جای فراخ در مقامه «الوعظیه» ۵. سایه چادر در مقامه «الأسودیة» ۶. آستان چادر در مقامه «النهدیه» ۷. کویر در مقامه «الأرمینیه» است. همدانی در مقامه «القردیة»، بغداد را به عنوان مکان عام انتخاب می‌کند؛ مکانی پرجمعیت و به همان نسبت پر از گدایان، عیاران و دزدان! اما کدامشان قهرمان مقامه می‌شود؟ مکان خاص که جاست؟ شیوه حيله‌گری و گدایی چیست؟ راوی (عیسی بن هشام) خرامان در ساحل دجله قدم می‌زد تا به حلقه‌ای از مردان رسید که از نمایش میمون‌باز خنده سرداده بودند. راوی گوید من نیز چون سگ قلاده بسته به رقص آمدم. در پایان نمایش عیسی بن هشام (راوی)، اسکندری را می‌شناسد و از خواری وی در گدایی می‌پرسد؛ اسکندری جواب می‌دهد: گناه از آن روزگار است، با نادانی نمودن و خود را به گولی زدن دارایی‌ها به دست آوردم (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۲).

۱۵۲). همدانی در ساحل دجله و مجلس میمون‌بازی برعکس مجلس عزا، فضایی شاد رقم می‌زند و بُعدی روانی به مکان می‌دهد. در عین حال، نویسنده به حضور گدایان در هر کجا که جمعیتی از مردم باشد هشدار می‌دهد. هفت مقامه از مقامات حمیدی نیز در مکان‌های خرد اما باز شکل می‌گیرد؛ از آن جمله: ۱. میدان جنگ در مقامه «فی الغزوة» ۲. بلندی در مقامه «فی اللغز» ۳. میدان در مقامه «فی السیاح» ۴. دشت در مقامه «فی المناظرة بین السنی و الملجد» ۵. جایگاهی نامشخص در مقامه «فی الوعظ» ۶. سایه درخت در مقامه «فی السفر والرفاقة» ۷. عزا در اصفهان در مقامه «فی التّعزیه» است که مطابق با جدول شماره (۲)، در تمامی این مقامات، شخصیت اصلی، سخنوری معتمد است که به نصیحت مردم و نشر علم و فضیلت می‌پردازد^(۳).

۲-۶-۷. میکده

مقامه «الحمریة»، تنها مقامه همدانی است که حکایتش در میکده رقم می‌خورد. به نظر می‌رسد، داستان‌پرداز علاقه‌ای به مشخص کردن مکان عام ندارد؛ انگیزه‌های تبهکاری ما را به سوی میکده برانگیخت، در این حال صدای اذان صبح بلند شد، گفتیم: نماز بهتر از خواب است، با رفتاری سنجیده پشت سر پیش‌نماز ایستادیم، اما بوی می ما را رسوا ساخت و به فرمان پیش‌نماز و البته با تحمل ضرب و شتم بسیار توسط حاضران، از مسجد اخراج شدیم. از نوجوانان روستا نام امام جماعت را جو یا شدیم که گفتند: آن مرد پرهیز کار، ابوالفتح اسکندری است! گفتیم پاک است خدا! چه بسا اهریمنی توبه کند و ایمان آورد. - تا این لحظه نشانه‌ای از حيله نیست - شب هنگام باز راهی میکده شدیم، زنی زیبا به استقبال ما آمد و با عشو و ناز در وصف می سخن بسیار راند. از یارش پرسیدیم که او شیخی تیزهوش و نمکین را فراخواند، - در اینجا مکر و شیوه آن ظاهر می‌شود - دیدیم اسکندری خودمان است! راوی گوید از حال شیخ به خدا پناه بردم. اسکندری (شیخ) گفت: لحظه‌ای به محراب می‌پیوندم و لختی به میکده. [آری] کسی که در این روزگار خرد دارد این چنین رفتار کند (همان: ۳۵۵-۳۵۸).

هنر همدانی در این مقامه به اشکال ذیل ظاهر می‌شود: ۱. پی‌ریزی حادثه در دو مکان متضاد یعنی مسجد و میکده ۲. به فکر هیچ انسانی نمی‌رسد که پیش‌نماز مسجد، اهل میگساری و زن‌بازی باشد! ۳. حرمت‌شکنی مساجد توسط طراران ۴. حضور داعیان دین در میخانه‌ها ۵. آگاه‌سازی مسجدیان و اهل میخانه از خطر و حضور مگاران در دو مکان.

۲-۶-۸. بیمارستان

مقامه «المارستانیة»، یگانه مقامه همدانی است که حوادث آن در بیمارستان شکل می‌گیرد. بصره مکان عام و مدخل ورود به ماجراست؛ شهری تاریخی و فرهنگی که مأمّن و محفل اندیشمندان است (الحموی، ۱۹۵۷: ۴۳۰).

موضوع مقامه مورد نظر، متوجه متکلمین، معتزله و اشاعره است (کرمر، ۱۳۷۵: ۱۱۷-۱۲۱): به تیمارستان بصره در آمدم. ابو داوود متکلم نیز با من بود. قهرمان (اسکندری) که در لباس دیوانه‌ای خردمند ظاهر شده به ابو داوود معتزلی که معتقد بود بنده در کارهای خود مختار مطلق است و اراده خدا را در کارها و رفتار بنده دخل و تصرفی نیست، گفت: اختیار مطلق از آن خداست نه از آن بنده خدا! با جبر زندگی می‌کنید تا بمیرید. راوی و ابو داوود از علم و فضل دیوانه در شگفت آمدند و از او خواستند هویتش را آشکار کند و دیوانه چنین گفت: من سرچشمه شگفتی‌هایم، در چاره‌سازی و مکر پایگاه‌ها دارم. به هنگام گفتن سخن راست در اوج و به هنگام گفتن سخن دروغ سرآمد دیگران هستم. خانه‌ام شهر اسکندر است و در سرزمین‌های خدا سرگردانم. در دیر، کشیش و در مسجد، ترسا بامداد می‌کنم (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۸۶-۱۹۰).

پی‌ریزی مناظره بین اسکندری اشعری و ابو داوود معتزلی در تیمارستان به جای مجلس رسمی از ذوق هنری همدانی سرچشمه می‌گیرد؛ که از نتایج آن غافلگیری و عدم آمادگی ابو داوود در جدل کلامی با اسکندری و هشدار به حضور مگاران در تمامی مکان‌ها و هیئت‌های ظاهری است.

دو مقامه حمیدی در بیمارستان حکایت می‌شود و چنانکه پیش‌تر در جدول شماره (۲) اشاره شد، نشانی از حيله و گدایی در این دو مقامه نیست؛ فضای بیمارستان در مقامه «فی‌العشق»، به کلاس درس و جلسه پرسش و پاسخ می‌ماند (حمیدی، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۶). در مقامه «فی‌الجنون» نیز، قهرمان (شیدای عشق) به راوی چنین می‌گوید: «کودک‌وار به زانوی تعلّم بنشین تا از مجانین بیمارستان، قوانین این داستان بیاموزی که «الجنون فنون» را معانی دقیق و رقیق بسیار است» (همان: ۱۴۴).

۲-۶-۹. حمام

حکایت مقامه «الخلوانیّه»، در حمامی از شهر حلوان شکل می‌گیرد؛ که چشمه‌های گوگردی‌اش معروف است (الحموی، ۱۹۵۷، ج ۲: ۲۹۱). همدانی در همان ابتدای مقامه به تعیین مکان کلان (حلوان) و خرد (گرمابه) اقدام می‌کند. آیا طرّاران به حمام‌ها نیز وارد می‌شوند؟ به چه حيله‌ای پناه می‌برند؟ راوی همراه غلامش وارد حمام می‌شود؛ مردی برای شستن سر و حجامت و مردی دیگر جهت کیسه‌کشی و مشت و مال به استقبال راوی آمدند که کارشان برای قاپیدن مشتری به درگیری می‌کشد و در نهایت راوی دست‌خالی از حمام خارج می‌شود. تاکنون نشانه‌های حيله آشکار نشده تا اینکه مگار در لباس مرد حجام و پیرایش‌گر که از قضا یاوه‌سرایی را با خرد جمع دارد، به دعوت راوی قدم به مقامه می‌گذارد و در پایان مقال است که راوی می‌فهمد این مرد، همان

اسکندری است (همدانی، ۱۳۸۷: ۲۵۵-۲۵۶). هرچند در این مقامه، نشانی از گدایی نیست؛ اما همدانی نسبت به حضور فریب کاران و رنگارنگی تردستی‌های این جماعت، به مردم هشدار می‌دهد.

۲-۶-۱۰. کشتی

حکایت مقامه «الحرزیه»، بر عرشه کشتی گرفتار در میان امواج سهمناک دریای خزر شکل می‌گیرد. مکان کلان نیز شهر ساحلی دربند است؛ شب طوفانی، باران، دریای موج‌افکن، کشتی متلاطم، اضطراب، زاری مسافران و سایه مرگ، همگام با یکدیگر، بعد روانی مکان را تقویت می‌کنند و فضایی دهشتناک پیش روی خواننده ترسیم می‌کنند؛ اما آیا در چنین شرایطی انتظار حيله‌گری و گدایی می‌رود؟ راوی نقل می‌کند مردی گشاده و فراخ‌سینه، شادمان و خوش‌دل در میان ما بود، به او گفتیم: چه چیزی تو را از مرگ آسوده گردانیده؟ گفت: چشم‌آویزی [دارم] که دارنده‌اش غرق نمی‌شود و در برابر فروش آن به هر مسافر دیناری درجا و دیناری پس از نجات طلب کرد^(۴) و جالب اینکه تعداد قابل توجهی چشم‌آویز به همراه داشت. پس از رهایی از طوفان هیچ یک از مسافران با خود فکر نکردند که زندگی و مرگ به دست خداست و بقیه طلب نیرنگ‌باز را دادند. وقتی از سر کارش جویا شدم گفت: من از سرزمین اسکندریه هستم، اگر امروز با شما در میان غرق‌شدگان بودم دیگر برای کسی از حيله خود ناچار به بهانه‌جویی نبودم (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۱۸۱). همدانی با طرح این ماجرا، بار دیگر نسبت به حضور مگاران حتی در سخت‌ترین و غیر محتمل‌ترین شرایط و مکان‌ها هشدار می‌دهد و به ترفندها و شجاعت آنان در سرکیسه کردن مردم اشاره می‌کند.

۲-۶-۱۱. خانقاه، زمره فقها و عدلیه

فضای مقامه «فی التصوف»، همچنان‌که از نامش پیداست در خانقاه حکایت می‌شود. پیرمرد کبودپوش، به زانو نشستن خرقه‌پوشان و ایستادن برخی دیگر، پرسش‌های ره‌پویان از مرشد و پاسخ‌های وی از جمله تصاویری است که خواننده را در ترسیم ذهنی مکان و شناخت موضوع و ماهیت تصوف کمک می‌کند (حمیدی، ۱۳۸۹: ۸۱-۹۰). مکان خرد در مقامه «فی المسائل الفقهیه»، زمره فقها است؛ بقعه‌ای نظیف و رقع‌های شریف که عالمی بر منبر آن نشسته و به مسائل شرعی جمع حاضر پاسخ می‌دهد و در آخر جلسه به نیکی از احسان مردم برخوردار می‌شود (همان: ۱۱۹-۱۲۵) و مقامه «بین الزوجین»، در سرای قاضی اهواز حکایت می‌شود؛ مکانی شلوغ که به نظر می‌رسد بی‌شبهت به سالن‌ها یا حیاط‌های عریض و طویل امروزی نیست (همان: ۱۵۷).

۲-۶-۱۲. مکان‌های حکومتی

حکایت سه مقامه همدانی در محیط سیاسی و حکومتی روایت می‌شود. مقامه «الحمدانیه»، در بارگاه سیف‌الدوله حمدانی شکل می‌گیرد و قهرمان آن گدایی سخور اما ژنده‌پوش است که به واسطه مهارتش در شناخت اسبان

اصیل از لطف حاکم و راوی مقامه بهره‌مند می‌شود (همدانی، ۱۳۸۷: ۲۲۴-۲۲۶). مقامه «السَّارِیَّة» در مقرر حکمرانی شهر ساری حکایت می‌شود، قهرمان در نظر حاکم و بزرگان شهر گرامی و ارجمند است (همان: ۳۴۲) و مقامه «التَّمِیمِیَّة» در فرمانداری یکی از استان‌های منطقه شام رقم می‌خورد؛ قهرمان ابوندی تمیمی است که از مردمان زمانه شاکی است (همان: ۳۴۶-۳۴۷). با توجه به محتوای سه مقامه اخیر، چنین به نظر می‌رسد که گدایان حبله‌گر، توانایی، جسارت و امکان ورود به محافل سیاسی و حکومتی وقت را نداشتند.

نتیجه

گستره کمی عنصر مکان در مقامات، موضوع نخستین سؤال پژوهش بود، یافته‌ها نشان می‌دهد که همدانی ۴۱٪ و حمیدی ۹٪ از عنوان‌های مقامات‌شان را از نام مکان‌های جغرافیایی گرفته‌اند این اختلاف آماری ناشی از گرایش حمیدی در انتخاب عنوان‌های موضوع محور است. سبک نگارش مقامات، گرایش قهرمان مقامه به جهان‌گردی و معرفی سرزمین‌ها و مردمان آن‌ها سبب شده است که ۸۰٪ مقامات همدانی و ۹۱٪ از مقامات حمیدی در مکان‌های کلان جغرافیایی روی بدهند. از میان مکان‌های خرد، مجالس ادبی، علمی و فرهنگی بیشترین درصد را در دو اثر به خود اختصاص می‌دهد که در مقامات همدانی ۲۵٪ و در مقامات حمیدی ۸۳٪ است. این فاصله آشکار آماری از یک‌سو می‌تواند از موقعیت اجتماعی قاضی القضاة بلخ و تأثیر آن در نگارش مقاماتش حکایت داشته باشد و از سوی دیگر در قیاس با آمار دیگر اماکن خرد، حاکی از گرایش‌های ادبی و فرهنگی دو نویسنده باشد.

جهان‌گردی و سفرهای دو نویسنده، موضوع دومین سؤال بود، یافته‌ها نشان می‌دهد که مکان در مقامات، ملازم سفر است؛ چراکه از یک‌سو امکان نقل مکان و جهان‌گردی با توجه به مشکلات و سختی‌های آن برای مردمان آن دوره به آسانی فراهم نمی‌شده است و از سوی دیگر مسافر بعد از بازگشت به خانه دیدنی‌ها و شنیدنی‌های بسیاری برای بازگفتن داشت. لذا نویسندگان داستان‌های خیالی یا نزدیک به واقعیت در آن دوره برای پی‌ریزی نمایی واقعی و قابل پذیرش از افکار و عقاید خود از عنصر سفر یا قهرمان جهانگرد استفاده می‌کردند و خواننده را به شنیدن داستان یا وارد کردن او به متن ماجرا تشویق می‌کردند. چنانکه پیش از این اشاره گردید؛ همدانی زادگاهش را بنابه دلایلی ترک و به شرق ممالک اسلامی سفر کرد و بسیاری از مقاماتش را بر اساس مشاهداتش آفرید و احتمالاً آن بخش از ماجراهای مقاماتش که از نظر مکانی در ممالک غربی یا جنوبی اسلام رخ داده را بر اساس پیش فرض‌های ذهنی‌اش نگاشته است. در مقابل، به نظر می‌رسد، حمیدی به سرزمین‌هایی که نام می‌برد سفری نداشته است و اگر سفری هم داشته، آن‌قدر ذهنش درگیر سجع و آژگان بوده که نتوانسته ارائه مناسبی از معلومات مکانی داشته باشد. به عنوان مثال در هجدهمین مقامه‌اش، کلمه و سجع کرخ او به بلخ و در بیستین مقامه‌اش کلمه و سجع حجاز او را به خطه طراز برده است و در بیست و سومین مقامه‌اش، قصد نیشابور می‌کند،

اما از ارمینیه سر درمی آورد یا باز هم در هجدهمین مقامه اش، از بلخ به بغداد و مکه و بیت المقدس می رود و باز به خراسان برمی گردد بدون آنکه توصیفی از گردش و سیاحتش ارائه کند.

سؤال سوم پژوهش، متوجه تنوع مکانی و ابتکار دو نویسنده در استفاده از عنصر مکان است، بررسی ها نشان می دهد که مکان های کلان دو اثر، در جغرافیای سرزمینی اسلام قرار دارد. مکان های خردتر همچون بازار، مسجد، مسیر سفر، بیمارستان، منازل و مجالس ادبی، علمی، فرهنگی و سیاسی که غالباً شاهد حضور یا تردد مردم است به عنوان محل رویداد ماجراها انتخاب می شوند. از میان ۱۴ عنوان مکان خرد که در نمودار شماره (۳) به آن ها اشاره شد، همدانی به خانقاه، زمرة فقها و عدلیه قدم نگذاشته است و حمیدی نامی از میکده، حمام و کشتی نبرده است. همدانی نسبت به حمیدی، ارتباط بین مکان کلان و خرد را با توجه به توضیحاتی که در بخش تحلیل ابعاد مکانی ارائه کردیم بهتر برقرار می کند؛ چراکه موضوع اغلب مقامات او و نوع نیرنگ بازی قهرمان بر اساس ویژگی های مکان کلان طرح می شود و در مکان خرد موجودیت می یابد. در مقابل، به نظر می رسد، حمیدی با نام بردن از مکان های کلان جغرافیایی بیشتر به دنبال معارضه با مقامات همدانی و بی ریزی داستانی است که در سر می پروراند، جابجایی او در چند سرزمین آن هم در طول یک مقامه و عدم ارائه کمترین توضیح درباره مکان هایی که از آن ها عبور کرده است خود می تواند دلیلی بر این دیدگاه باشد.

نقش مکان در شناخت دوره تاریخی نگارش مقامات و همچنین هماهنگی قهرمان با مکان رخداد ماجرا، موضوع آخرین سؤال پژوهش بود، یافته ها نشان می دهد: با کشف و طبقه بندی مکان های کلان و خرد مقامات و نقش شخصیت ها در اماکن می توان: ۱. تا حدودی با امکانات تمدنی، تاریخی، فرهنگی و فیزیکی (شکل و شمایل شهرها و بناها) دوره نگارش اثر آشنا شد ۲. تصویری موجز از حدود ممالک اسلامی، نظام اداری و طبقاتی دوران آل بویه، سلجوقیان و خوارزمشاهیان به دست آورد ۳. با استناد به تألیف همدانی، می توان به وضع ناگوار اقتصادی و فاصله طبقاتی در ممالک اسلامی پی برد که یکی از پیامدهای این اوضاع نابسامان چنانکه در بخش تحلیل کیفی مکان های خرد بیان کردیم، ظهور شیادانی است که متناسب با ویژگی های مکان با چهره ها و شیوه های رنگارنگ، مترصد فریب مردم هستند و اسکندری در واقع نمادی از جریان فاسد عصر آل بویه است. در مقابل، به نظر می رسد، قاضی بلخ بیشتر به قبضه و غلاف تیغه قلم توجه دارد. شاید از همین روی است که قهرمان او در لباس فقیه، صوفی، خطیب و مانند این ها ظاهر می شود و بساط مناظرات علمی و ادبی را می گستراند و جلوه ای نیک به مکان می دهد.

پی نوشت ها

(۱) اما در شناسایی نخستین نگارنده مقامه به زبان عربی اختلاف است؛ به نظر می رسد برای نخستین مرتبه با بدیع الزمان همدانی (متوفی ۳۹۸) در زبان عربی به عنوان نوع مستقل ادبی پذیرفته شده است (قلقشندی، ۱۳۴۰: ۱۱۰). حریری نیز در مقدمه مقاماتش، همدانی را مبتکر مقامه نویسی می داند (حریری: بی تا: ۹) فردی که برای نخستین بار توانست، میراث جامعه و ادبیات عرب را در یک راستا هماهنگ سازد

و مبتکر و بنیان گذار فنّ نوینی باشد؛ اما تنها کتابی که با عنوان و سبک مقامات عربی به زبان فارسی نگاشته شد، مقامات حمیدی است (فلاح نژاد، ۱۳۸۸: ۵۵) که در مقایسه با نمونه عربی، دارای ابتکاراتی است که در چارچوب موضوع پژوهش به آن‌ها خواهیم پرداخت. (۲) یکی از معیارهای تحلیل و ارزشیابی آثار ادبی اهمیت و ضرورت تنظیم عنوان مناسب برای آن می‌باشد. مختصر، واضح و جذاب بودن عنوان و رسانایی آن در بیان مفهوم و محتوای متن، یکی از نشانه‌های تسلط، دقت و مهارت نگارنده نسبت به موضوع است (عسکری، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۸). سخنگویان یک زبان، اغلب به سمت انتخاب نام‌هایی که بیان کننده معنای گرایش دارند (طیب و بتول علی نژاد، ۱۳۸۲: ۲۳). آرتور بر این باور است که با دانستن نام یک چیز، احساسی غیر قابل توجه در انسان پیدا می‌شود که حالت مرموز آن شیء را به نوعی کشف و از این طریق بر آن تسلط می‌یابد (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۲۶۹) و به اعتقاد محمد مفتاح عنوان محوری است که متن بر اساس آن متولد می‌شود، رشد می‌کند و نتایج حاصل می‌شود (مفتاح، ۱۹۹۰: ۱۲۹).

(۳) قهرمان (مسکین) در مقامه «فی اللُّغز»، ادامه سخنان را در باب ادب و شعر، منوط به احسان شنوندگان می‌کند (حمیدی، ۱۳۸۹: ۵۷)؛ راوی در مقامه «فی السَّیَّاح»، به میل خود به قهرمان (سخنور) احسان می‌کند (همان: ۷۹-۸۰) و قهرمان (واعظ) در مقامه «فی الوَعظ»، به قدر زاد و توشه سفر از حاضران کمک می‌خواهد (همان: ۱۰۸).

(۴) قهرمان مقامه «فی العشق والمعشوق والحبیب والخبوب»، پیرمردی دعا فروش است که در بازار به دنبال مشتری می‌گردد و بی هیچ حيله و تنها در برابر حل مشکل گرفتار، دو دینار می‌طلبد. ابتکار حمیدی در این مقامه تغییر مکان از کشتی به بازار و تغییر نیت قهرمان از فریب مردم به حل مشکل شخص در مانده است (همان: ۱۳۳-۱۳۸).

کتابنامه

الف: کتاب‌ها

۱. آرلاتو، آنتونی (۱۳۷۳)؛ **درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی**، ترجمه یحیی مدرسی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. ابراهیمی حریری، فارس (۱۳۴۶)؛ **مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن**، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۳. امین، أحمد (۱۹۶۷)؛ **التقد الأدبی**، الطبعة الرابعة، بیروت: دار الکتب العربیة.
۴. جمعه، بدیع محمد (۱۹۸۰)؛ **دراسات فی الأدب المقارن**، الطبعة الثانية، بیروت: دار النّهضة العربیة.
۵. حریری (بی‌تا)؛ **مقامات الحریری المسمی بالمقامات الأدبیة**، الطبعة الثالثة المصححة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶. حمودی، هادی حسن (۱۹۸۵)؛ **المقامات من ابن فارس إلى بدیع الزمان الهمدانی**، الطبعة الأولى، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
۷. الحموی، یاقوت (۱۹۵۷)؛ **معجم البلدان**، الطبعة الأولى، بیروت: دار صادر للطباعة والنشر.
۸. حمیدی (۱۳۸۹)؛ **مقامات حمیدی**، تصحیح رضا انزایی نژاد، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. الضبع، مصطفیٰ ابراهیم (۱۹۹۸)؛ **إستراتيجية المكان (دراسة نقدیة)**، الطبعة الأولى، القاهرة: الهيئة العامة لقصور الثقافة.
۱۰. ضیف، شوقی (۱۹۸۰)؛ **المقامة**، الطبعة الخامسة، القاهرة: دار المعارف.

۱۱. فروخ، عمر (۱۹۹۲)؛ **تاریخ الأدب العربي**، الطبعة السادسة، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. قلقشندي، أبي العباس (۱۳۴۰)؛ **صبح الأعشى في صناعة الإنشاء**، المجلد الرابعة عشر، القاهرة: دار الكتب المصرية.
۱۳. کرمر، جوئل. ل (۱۳۷۵)؛ **احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی**، چاپ اول، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. الکعبی، ضیاء (۲۰۰۵)؛ **السرد العربي القديم**، الطبعة الأولى، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
۱۵. مبارک، زکی (۱۹۳۱)؛ **النثر الفني في القرن الرابع**، دون رقم الطبع بیروت: المكتبة العصرية.
۱۶. مستور، مصطفی (۱۳۷۹)؛ **مبانی داستان کوتاه**، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۱۷. مفتاح، محمد (۱۹۹۰)؛ **دینامیة النص، تنظیر وإنجاز**، الطبعة الأولى، بیروت: الدار البيضاء، المركز الثقافي العربي.
۱۸. الموائی، ناصر عبدالرازق (۱۹۹۷)؛ **القصة العربية... عصر الإبداع**، الطبعة الثالثة، مصر: دار النشر للجامعات.
۱۹. میرصادقی، جمال (۱۳۷۶)؛ **عناصر داستان**، چاپ سوم، تهران: سخن.
۲۰. الهمدانی، بدیع الزمان (۲۰۰۸)؛ **مقامات بدیع الزمان الهمدانی**، محقق الشیخ محمد عبده، الطبعة الأولى، بیروت: دار الكتب العلمية.
۲۱. همدانی، بدیع الزمان (۱۳۸۷)؛ **مقامات بدیع الزمان همدانی**، ترجمه حمید طیبیان، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.

ب: پایان نامه ها

۲۲. پروینی، خلیل (۱۳۷۸)؛ **تحلیل ادبی داستان های قرآن، داستان حضرت نوح (ع)، حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع)**، رساله دوره دکتری زبان و ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. کاکوئی، محمد حسین (۱۳۸۶)؛ **بررسی داستان و عناصر آن در مقامات حریری**، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۴. نصیری، روح الله (۱۳۹۰)؛ **تحلیل، تبیین و طبقه بندی ظرفیت های نمایشی در دو کتاب البخلء و مقامات حریری**، رساله دوره دکتری زبان و ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ج: مجله ها

۲۵. حُرّی، ابوالفضل (۱۳۸۸)؛ «مؤلفه های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی»، **ادب پژوهی**، شماره های ۷ و ۸، صص ۱۲۵-۱۴۱.
۲۶. سمعان، انجیل پطرس (۱۹۸۳)؛ «لیالی السطح بین القصة والمقامة»، **مجلة الفصول**، المجلد ۳، العدد ۲، صص ۱۰۳-۱۰۸.
۲۷. طیب، محمد تقی و بتول علی نژاد (۱۳۸۲)؛ «بررسی گرایش های جدید نام گذاری در اصفهان از دیدگاه زبان شناسی»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، دوره ۲، شماره های ۳۲ و ۳۳، صص ۲۳-۵۸.
۲۸. عسکری، صادق (۱۳۸۹)؛ «نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی»، **مجله زبان و ادبیات عربی**، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۸.

٢٩. الغزالي، عبدالله محمد (٢٠٠٧)؛ «جماليات التشكيل المكاني في مقامات بديع الزمان الهمداني»، *المجلة الأردنية في اللغة العربية وآدابها*، المجلد ٣، العدد ٤، صص ٢٠٥-٢٥٣.

٣٠. فلاح نژاد، نقى (١٣٨٨)؛ «اسلوب مقامات در بوستان سعدى»، *فصلنامه بهار ادب*، سال ٢، شماره ٢، صص ٥٥-٧٥.

٣١. مونزو، جيمز توماس (١٩٩٣)؛ «فنّ بديع الزمان الهمداني وقصص بيكارسك»، ترجمة أنيسه ابو النصر (باحث مصرى)، *مجلة الفصول*، المجلد ١٢، العدد ٤٧، صص ١٥١-١٩٢.

دراسة مقارنة لظاهرة المكان وشخصية البطل في المقامات العربية والفارسية مقامات الهمداني والحميدي نموذجين^١

حامد صدقي^٢

أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، طهران، ايران

صغرى فلاحني^٣

أستاذة مساعدة في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، طهران، ايران

مرتضى زارع برمي^٤

طالب مرحلة الدكتوراة في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، طهران، ايران

الملخص

يقوم هذا البحث بالمقارنة بين مقامات الهمداني والحميدي، مع التركيز على دراسة كمية وكيفية للأمكنة الخاصة والعامّة فيهما، ويجاوب دراسة جماليات أبعاد المكان الزمنية، والاجتماعية، والفيزيائية والتفسيّة، وأبعاد شخصيات الأبطال وموضوعاتها القصصية وتنسيقها مع جماليات المكان، كما أنّ هذه الدراسة تبحث مدى نجاح الهمداني والحميدي في توظيف تلك الشخصيات والأمكنة لتحقيق غايات المقامات وأهدافها؛ هذا وأنّ الدراسة تعالج أيضاً تأثير المقامات العربية في المقامات الفارسية.

من النتائج التي توصل إليها الدراسة هي: أنّ الاحتيال والكديّة ظاهرتان قديمتان عرفتهما المجتمعات الإسلامية ونجح الهمداني في فضح المحتالين والكشف عن حيلهم، وهي لا تخلو من فوائد تعليمية منها الوعظ بمختلف أشكاله، أما القاضي حميد الدّين البلخي فقد قلّد الهمداني في مقاماته واقترب إليه في أصول كتابته فتأثّر في توظيف عنصر المكان بمقامات الهمداني، فهو لا يصف الأمكنة ولهذا أمكنة الأحداث في مقامات الحميدي مجهولة وغير دقيقة.

الكلمات الدلّيلية: الفهرس المكاني، الأمكنة العامة، الأمكنة الخاصة، البطل.

